
اقتصاد خانواده مسلمان (اشتغال مادران و همسران، صنعت حلال و...)

نیکبخت نیازی^۸

چکیده

این پژوهش به تحلیل و بررسی جامع اقتصاد خانواده‌های مسلمان می‌پردازد و بر دو محور اصلی تمرکز دارد: اشتغال مادران و همسران و صنعت حلال. هدف اصلی این مطالعه، ارزیابی تأثیرات متقابل این دو عامل بر ساختار اقتصادی خانواده‌های مسلمان و تبیین نقش آن‌ها در شکل‌دهی به الگوهای مصرف و تولید در جوامع اسلامی است. با بهره‌گیری از روش‌شناسی ترکیبی که شامل تحلیل محتوای کیفی و بررسی داده‌های کمی از منابع معتبر می‌باشد، این پژوهش به دنبال پاسخ به سؤالات زیر است (چگونه اشتغال زنان در خانواده‌های مسلمان بر تعادل اقتصادی و اجتماعی این خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد؟) (۲) نقش صنعت حلال در ایجاد فرصت‌های شغلی و رشد اقتصادی خانواده‌های مسلمان چیست؟ (۳) چه راهکارهایی برای بهینه‌سازی تعامل بین اشتغال زنان و صنعت حلال به منظور ارتقای وضعیت اقتصادی خانواده‌های مسلمان وجود دارد؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ترکیب هوشمندانه اشتغال زنان و توسعه صنعت حلال می‌تواند به ایجاد یک مدل اقتصادی پایدار و همسو با ارزش‌های اسلامی منجر شود. این تحقیق همچنین چارچوب نظری برای درک بهتر پویایی‌های اقتصادی خانواده‌های مسلمان در عصر جهانی شدن ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد خانواده مسلمان، اشتغال زنان، صنعت حلال، توسعه اقتصادی، ارزش‌های اسلامی.

۸. کارشناسی ارشد علوم قرآن و تفسیر، مدرسه عالی خاوران، جامعه‌المصطفی نمایندگی خراسان.

مقدمه

اقتصاد خانواده مسلمان در دهه‌های اخیر دستخوش تحولات چشمگیری شده است که از تغییرات رشد در الگوهای و صنایع مختلف، به‌ویژه صنعت حلال، است. این تحولات نه تنها بر اساس ساختار اجتماعی و فرهنگی جوامع اسلامی ایجاد می‌شود، بلکه به تغییرات اساسی در نقش‌های سنتی و مسئولیت‌ها در خانواده‌ها منجر می‌شود. اقتصاد خانواده در جوامع اسلامی همواره تحت تأثیر اصول و ارزش‌های دینی بوده است، اما روند جهانی‌شدن و تغییرات اقتصادی _ اجتماعی در سطح جهان، الگوهای سنتی را با چالش‌های ایجاد شده است.

در این میان، دو عامل کلیدی نقش بسزایی در شکل‌دهی به وضعیت اقتصاد خانواده مسلمان داشته است: اشتغال زنان و رشد صنعت حلال. مطالعات نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر افزایش قابل توجهی داشته است. این امر باعث تغییر در الگوهای تصمیم‌گیری و مدیریت منابع مالی خانواده‌ها شد و فرصت‌های ایجادشده برای رشد اقتصادی فراهم شده است. از سوی دیگر، صنعت حلال به‌عنوان یکی از سریع‌ترین بخش‌های رشد اقتصادی در جهان اسلام، نه تنها به ایجاد فرصت‌های شغلی و کارآفرینی کمک کرده، بلکه الگوهای مصرف خانواده‌های مسلمان نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. گزارش‌های اخیر، ارزش بازار جهانی محصولات حلال تا سال ۲۰۲۴ به بیش از ۳ تریلیون دلار خواهد رسید. به‌رغم مهم این موضوع، مطالعات جامع و سیستماتیک درباره تأثیر متقابل زنان و صنعت حلال بر اقتصاد خانواده مسلمان محدود است. شکاف‌های موجود در دانش بررسی دقیق مسائل زنان بر اساس ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه مسلمان، تحلیل جامع نقش صنعت حلال در ایجاد فرصت‌های شغلی و بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌های مسلمان و شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از بین زنان و صنعت حلال جوامع اسلامی می‌شود. این پژوهش با استفاده از روش‌های تحلیل کمی و کیفی، به دنبال ارائه تحلیلی جامع از وضعیت اقتصاد خانواده مسلمان با توجه به مشکلات زنان و صنعت حلال است. اصلی این مطالعه از بررسی تأثیر عوامل مختلف اقتصادی و خانواده‌های مسلمان، ارزیابی نقش صنعت حلال در ایجاد فرصت‌های شغلی و رشد خانواده‌های مسلمان، شناسایی راهکارهای بهینه‌سازی بین زنان و صنعت حلال و ارائه پیشنهادها برای اجتماعی برای ایجاد میان زنان. حفظ ارزش‌های اسلامی و پاسخگویی به نیازهای اقتصادی مدرن. این مطالعه با پرداختن به این موضوعات، به دنبال ارائه پیشنهادی نظری و عملی برای درک بهتر و مدیریت اقتصاد خانواده در عصر حاضر است. نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران پژوهش‌گران و خانواده‌های مسلمان در تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تر در زمینه اقتصاد خانواده کمک کند و راهگشای مطالعات آتی در این حوزه باش

۱. نقش زنان در اقتصاد خانواده

زنان در جوامع مسلمان نقش‌های متعددی را ایفا می‌کنند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نقش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره کرد. در بسیاری از خانواده‌های مسلمان، زنان علاوه بر مسئولیت‌های خانگی، به فعالیت‌های اقتصادی نیز مشغول هستند. این فعالیت‌ها می‌تواند شامل کار در خارج از خانه، کارآفرینی خانگی و یا شرکت در کسب و کارهای خانوادگی باشد. نقش اقتصادی زنان نه تنها به بهبود وضعیت مالی خانواده کمک می‌کند، بلکه باعث افزایش سطح رفاه و کیفیت زندگی اعضای خانواده نیز می‌شود. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در زمینه اشتغال زنان در خانواده‌های مسلمان، می‌توان نتیجه گرفت که این موضوع دارای ابعاد پیچیده و چندوجهی است. نقش زنان در اقتصاد خانواده مسلمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و تأثیرات قابل توجهی بر ساختار اقتصادی و اجتماعی خانواده دارد. اشتغال زنان در جوامع اسلامی، علی‌رغم چالش‌های موجود، فرصت‌های قابل توجهی را برای رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی فراهم می‌کند. افزایش درآمد خانواده، بهبود استقلال مالی زنان و مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی از جمله پیامدهای مثبت این امر است. با این حال، تعارض با نقش‌های سنتی، چالش‌های مربوط به تعادل بین کار و زندگی و برخی محدودیت‌های فرهنگی و دینی همچنان به عنوان موانعی در مسیر اشتغال زنان مسلمان باقی مانده‌اند. توسعه صنعت حلال و افزایش فرصت‌های کارآفرینی، به‌ویژه در حوزه مشاغل خانگی، می‌تواند راهکارهای مناسبی برای غلبه بر برخی از این چالش‌ها باشد. همچنین، افزایش سطح تحصیلات زنان و تغییر تدریجی نگرش‌های اجتماعی نسبت به اشتغال زنان، زمینه را برای مشارکت بیشتر آن‌ها در عرصه‌های اقتصادی فراهم کرده است. برای بهره‌برداری بهینه از این فرصت‌ها و مقابله مؤثر با چالش‌های موجود، نیاز به سیاست‌گذاری‌های دقیق و متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی جوامع مسلمان است. این سیاست‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که ضمن حفظ ارزش‌های اسلامی، امکان مشارکت فعال زنان در عرصه‌های اقتصادی را فراهم کنند. توسعه سیاست‌های حمایتی، بهبود زیرساخت‌های اجتماعی مانند مهدکودک‌ها و ایجاد محیط‌های کاری سازگار با ارزش‌های اسلامی می‌تواند گام‌های مؤثری در این راستا باشد. در نهایت، می‌توان گفت که اشتغال زنان در خانواده‌های مسلمان، با وجود چالش‌های موجود، پتانسیل قابل توجهی برای بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و جوامع اسلامی دارد. با اتخاذ رویکردی متعادل و هوشمندانه، می‌توان از این پتانسیل در جهت رشد و توسعه پایدار بهره برد، به گونه‌ای که هم ارزش‌های اسلامی حفظ شود و هم نیازهای اقتصادی جوامع مدرن برآورده گردد. (نادر مطیع حق‌شناس، ۱۳۹۹، ص ۳۶ _ ۳۹)

۲. تأثیر اشتغال زنان بر اقتصاد خانواده

اشتغال زنان در خانواده‌های مسلمان می‌تواند تأثیرات متعددی داشته باشد که

برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

افزایش درآمد خانواده: یکی از مهمترین تأثیرات اشتغال زنان، افزایش درآمد خانواده است. این افزایش درآمد می‌تواند به بهبود وضعیت مالی خانواده و افزایش توانایی آن‌ها در تأمین نیازهای اساسی و حتی لوکس کمک کند. حضرت خدیجه؟ عها؟ با فعالیت‌های تجاری و اقتصادی خود به‌طور قابل توجهی به افزایش درآمد خانواده و جامعه کمک کرد. او با استخدام مردان کارآمد، از جمله حضرت محمد؟ ص؟ در دوران جوانی، توانست نیروی انسانی را برای گسترش تجارت خود به کار گیرد. این همکاری نه تنها به افزایش درآمد خود او کمک کرد، بلکه به ایجاد اشتغال برای دیگران نیز منجر شد. خدیجه؟ عها؟ با سرمایه‌گذاری‌های هوشمندانه و مدیریت صحیح منابع، توانست ثروت قابل توجهی را جمع‌آوری کند و از آن برای حمایت از نیازمندان و یتیمان استفاده کند. او همچنین در دوران سختی‌های اولیه اسلام، با استفاده از ثروت خود به حمایت مالی از مسلمانان پرداخت و در محاصره اقتصادی قریش، اموالش را صرف کمک به پیامبر؟ ص؟ و پیروانش کرد. این اقدامات نه تنها به تأمین نیازهای اقتصادی خانواده پیامبر؟ ص؟ کمک کرد، بلکه الگویی از کارآفرینی و مسئولیت اجتماعی را در جامعه اسلامی ارائه داد که تأثیرات مثبت آن تا سال‌ها پس از آن ادامه یافت (منصوره اعتمادی، ۱۳۸۶، ۱۷۵ - ۱۷۶)

تقسیم مسئولیت‌ها: اشتغال زنان می‌تواند به تغییر در نقش‌ها و تقسیم مسئولیت‌ها در خانواده منجر شود. این تغییرات ممکن است باعث افزایش همکاری و همبستگی بین اعضای خانواده شود.

افزایش استقلال زنان: اشتغال زنان می‌تواند به افزایش استقلال مالی و اجتماعی آن‌ها منجر شود. این استقلال می‌تواند به بهبود وضعیت روانی و اجتماعی زنان کمک کند و آن‌ها را قادر سازد تا نقش فعال‌تری در تصمیم‌گیری‌های خانواده ایفا کنند. مفهوم مسئولیت اجتماعی زنان در اندیشه اسلامی به‌عنوان یک موضوع چندبعدی و جامع، از مرزهای جنسیتی فراتر می‌رود. این مفهوم که ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد، به‌عنوان یک عامل کلیدی در توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع مسلمان شناخته می‌شود. در این راستا، توجه به چالش‌های فردی و جمعی در جامعه اهمیت ویژه‌ای دارد. زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت، نقش اساسی در شناسایی و حل مسائل اجتماعی ایفا می‌کنند. همچنین، توجه به نیازهای کلان جامعه و نظام اسلامی از دیگر ابعاد این مسئولیت است. در واقع، زنان با مشارکت فعال در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی می‌توانند به توازن قدرت میان اسلام و غیر اسلام در سطح جهانی کمک کنند. این مفهوم به وظایف اجتماعی زنان اشاره دارد و آن‌ها را در شکل‌دهی به سرنوشت جامعه تعریف می‌کند. «جامعه» مفهومی است که از آغاز تا سطح جهانی ادامه دارد. این دیدگاه فراتر از مفهوم سنتی مکان است و بر این نکته تأکید دارد که وظایف اجتماعی شامل جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود. اگر سیاست‌گذاران به مسئولیت‌های زنان در این زمینه توجه کنند، می‌توان گفت که این امر با اصول

اسلامی همخوانی دارد. این نگرش می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی داشته باشد. (فربیا نوروش‌پور و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۲)

تأثیر بر تربیت فرزندان: اشتغال زنان ممکن است تأثیراتی بر تربیت و پرورش فرزندان داشته باشد. در برخی موارد، اشتغال مادران می‌تواند باعث کاهش زمان صرف شده با فرزندان شود، اما در عین حال، می‌تواند به افزایش کیفیت زمانی که با فرزندان می‌گذرانند نیز منجر شود. و همچنان برخی مادران به دلیل شاغل بودن خود را مسئول عدم رشد و تربیت فرزندان می‌دانند. اما تحقیقات نشان می‌دهد که فرزندان که مادران شاغل دارند، در زمینه‌های تحصیلی و اجتماعی موفق‌تر هستند. برخلاف باورهایی که اشتغال مادر را مضر برای فرزند می‌دانند، شواهد نشان می‌دهد که کار کردن مادر می‌تواند مزایایی برای کودک داشته باشد. کودکان مادران شاغل نسبت به کودکان مادران خانه‌دار، مسئولیت‌پذیرتر و از سازگاری اجتماعی و شخصیتی بهتری در مدرسه برخوردارند. (هافمن) بر این باور است که دختران مادران شاغل از نظر اجتماعی الگوی مناسبی دارند. این دختران به گونه‌ای تربیت می‌شوند که اعتماد به نفس بیشتری پیدا کرده و مستقل بار می‌آیند. آن‌ها نقش زن را به‌طور آزادانه‌تری پذیرفته و احساس رضایت و شایستگی بیشتری دارند و برای دستیابی به اهداف خود، پشتکار بیشتری نشان می‌دهند. نوجوانانی که مادران شاغل دارند، نسبت به نوجوانانی که مادران خانه‌دار دارند، احساس خودارزشمندی و سازگاری اجتماعی بیشتری دارند. این امر به دلیل تربیت خاصی است که مادرانشان در سال‌های اولیه زندگی به کار گرفته‌اند تا آن‌ها بهتر از خود و اموالشان مراقبت کنند. (زهره نساجی، ۱۳۸۴، ص ۶۴)

_ (۶۵)

۳. چالش‌ها

۳.۱. تعارض با نقش‌های سنتی

مدینه فاضله‌ای که سنت‌گرایان به آن اشاره می‌کنند، به دوران نبوی و زندگی مؤمنان اولیه مربوط می‌شود. سنت‌گرایی معمولاً آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی را که در آن زمان نازل شده‌اند، با شرایط اجتماعی و اقتصادی آن جامعه ترکیب می‌کند. این گروه بر این باورند که پایبندی به اصول و ارزش‌های دینی مطابق با آنچه در عصر نبوی وجود داشته، به معنای محدود کردن نقش زنان به فعالیت‌های خانگی است. این فعالیت‌ها عمدتاً شامل شوهرداری، تربیت و مراقبت از فرزندان می‌شود. این جریان به رویکرد خانواده‌محوری نسبت به زنان تأکید دارد و حضور زنان را عمدتاً به خانه و خانواده محدود می‌کند. در درون خانواده، نقش اصلی زن به کمک به خانواده از طریق مراقبت از اموال منزل، قناعت و پرهیز از تجمل و اسراف اختصاص دارد. بر اساس این دیدگاه، زن تنها مجری دستورات مرد به شمار می‌آید و وظیفه‌اش اطاعت از شوهر است. در بسیاری از جوامع مسلمان، نقش‌های سنتی زنان به‌عنوان خانه‌دار و مادر هنوز قوی است. اشتغال زنان ممکن است با این نقش‌های سنتی در

تعارض باشد و باعث بروز تنش‌های اجتماعی و خانوادگی شود. (پیروزمند، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲)

تعادل بین کار و خانواده: یکی از چالش‌های اصلی، ایجاد تعادل بین مسئولیت‌های شغلی و وظایف خانوادگی است. این مسئله به‌ویژه در مورد ایفای نقش مادری و همسری به صورت صحیح و کامل در کنار اشتغال اهمیت پیدا می‌کند. ترکیب کار و خانواده یکی از چالش‌های اصلی برای زنان شاغل به شمار می‌آید. این موضوع به‌ویژه در زمینه ایفای نقش مادری و همسری اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. زنان شاغل باید به‌خوبی از عهده وظایف خود برآیند و در عین حال در محیط کار نیز عملکرد مناسبی داشته باشند. این امر نیازمند مدیریت زمان مؤثر، برنامه‌ریزی منسجم و حمایت خانواده است. گاهی اوقات فشار ناشی از این دوگانگی نقش‌ها می‌تواند منجر به استرس شود. برای مقابله با این چالش، برخی از زنان به کارهای پارموقت یا مشاغل انعطاف‌پذیر روی می‌آورند تا زمان بیشتری را به خانواده اختصاص دهند. همچنین، مشارکت در امور خانه و تربیت فرزندان می‌تواند به تسهیل این فرایند کمک کند. در نهایت، موفقیت در ایجاد تعادل بین کار و خانواده مستلزم درک متقابل اعضای خانواده، کارفرمایان و مهارت‌های مدیریت زنان است (فرشته ندری ایبانه، ۱۳۸۲، ص ۴-۹)

محدودیت‌های فرهنگی و دینی: برخی تفسیرهای سنتی از دین ممکن است محدودیت‌هایی را برای اشتغال زنان در برخی حوزه‌ها ایجاد کند، با این‌که عامل اقتصادی در اشتغال زنان از اهمیت بالایی برخوردار است، مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که ارزش‌ها و باورهای فرهنگی در یک جامعه تأثیر مستقیمی بر میزان اشتغال زنان دارند. در این زمینه، فرهنگ پذیرفته‌شده در جامعه این باور را ایجاد کرده است که در صورت عدم موفقیت شوهر در کار، زن باید از شغل خود صرف‌نظر کند، حتی اگر به کار خود تمایل داشته باشد. هستند از گروه‌هایی که به‌خاطر ترس از ورود تفکر غربی در جامعه اسلامی ممانعت می‌کند و تنها بعد احکامی را مد نظر گرفتن و این بینش فقهی و جامع‌ی نیست (محمدتقی سبحانی، ۱۳۸۵، ص ۱۸-۲۰)

کمبود حمایت‌های اجتماعی: عدم وجود زیرساخت‌های مناسب مانند مهدکودک‌ها، مرخصی زایمان کافی و سیاست‌های حمایتی در محل کار می‌تواند چالش‌هایی را برای زنان شاغل ایجاد کند. و هم چنان کمبود آموزش برای زنان نسبت به مردان، مانع از رشد و ارتقای شخصیت آن‌ها می‌شود و شرایط دشواری را برای ورود به بازار کار فراهم می‌آورد. این موضوع باعث می‌شود که زنان در زمینه‌های شغلی نتوانند به برابری با مردان دست یابند و حتی اگر شرایط شغلی آن‌ها برابر باشد، کارفرمایان به دلیل پیش‌داوری‌های منفی نسبت به کار زنان، تمایل کمتری به استخدام آن‌ها داشته باشند. (مرجان علیزاده، ۱۳۸۹، ص ۵۳)

تبعیض جنسیتی در محیط کار: علی‌رغم پیشرفت‌های صورت گرفته، هنوز در

برخی محیط‌های کاری تبعیض جنسیتی وجود دارد که می‌تواند مانعی برای پیشرفت شغلی زنان باشد، مفهوم اصلی نظریه‌های جنسیتی این است که وضعیت زنان در بازار کار و در محیط خانه و خانواده به یکدیگر وابسته است و بخشی از یک نظام اجتماعی به شمار می‌آید که در آن زنان تحت سلطه مردان قرار دارند. نکته کلیدی این نظریه‌ها، اختصاص کارهای خانگی، به‌ویژه مراقبت از کودکان، به زنان است. این نظریه‌ها بر این نکته تأکید دارند که تمایل به مشاغل زنانه، بازتابی از نقش‌های خانگی زنان است و همان‌طور که در بسیاری از جوامع، کارهای خانگی کم‌ارزش تلقی می‌شوند، این مشاغل و مهارت‌ها نیز از ارزش کمتری برخوردارند. (احمد گوگردچیان، ۱۳۹۳، ص ۱۵۱ - ۱۵۲)

۱.۴. فرصت‌ها

توسعه صنعت حلال: صنعت حلال می‌تواند فرصت‌های شغلی جدیدی برای زنان مسلمان ایجاد کند که با ارزش‌های اسلامی سازگار است.

کارآفرینی و مشاغل خانگی: پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات امکان کارآفرینی و اشتغال خانگی را برای زنان افزایش داده است که می‌تواند به ایجاد تعادل بهتر بین کار و زندگی خانوادگی کمک کند.

افزایش سطح تحصیلات: افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان زن در دوره‌های آموزش عالی، فرصت‌های شغلی بیشتری را در بخش‌های مختلف اقتصادی فراهم کرده است. در دنیای امروز، سرمایه انسانی و ارتقاء سطح تحصیلات و بهره‌برداری بهینه از نیروی کار ماهر، اهمیت بیشتری نسبت به گذشته یافته است. آموزش عالی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی فرایندهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در هر کشور به شمار می‌آید. سرمایه‌گذاری در آموزش به دو صورت به جامعه کمک می‌کند: از یک سو، با افزایش مهارت‌ها و آمادگی این قشر برای ورود به بازار کار، به توسعه اقتصادی مبتنی بر علم و فناوری یاری می‌رساند و از سوی دیگر، تحولی چشمگیر در نگرش و فرهنگ آنان به‌عنوان مادران و تربیت‌کنندگان نسل آینده ایجاد می‌کند. زنان تحصیل‌کرده و باتجربه نه تنها به افزایش بهره‌وری و کارایی نیروی کار جوامع کمک می‌کنند، بلکه فرزندان سالم‌تر، باسوادتر و ماهرتر تربیت می‌نمایند و از این طریق به رشد و پیشرفت پایدار کشورهای خود یاری می‌رسانند. به‌طور کلی، نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که زنان به دلایل اقتصادی و فرهنگی _ اجتماعی به دنبال آموزش عالی هستند. زنان تحصیل‌کرده نقش‌های خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی مؤثرتری ایفا می‌کنند و مشارکت فعال آن‌ها در روند توسعه پایدار کشور تأثیرگذار است. بنابراین، حضور زنان در دانشگاه‌ها که بهترین مراکز پیشرفت و ترویج علوم و فناوری و تربیت متخصصان به شمار می‌رود، می‌تواند نشانه‌ای از توسعه کشور محسوب شود. (ایرجی زاد، ۱۳۷۷، ص ۲۱)

تغییر نگرش‌های اجتماعی: با افزایش آگاهی‌های اجتماعی، نگرش‌ها نسبت به اشتغال زنان در حال تغییر است و این امر می‌تواند فرصت‌های بیشتری را برای مشارکت زنان در بازار کار فراهم کند.

مشارکت در مدیریت: افزایش میزان فعالیت زنان در بخش‌های مدیریتی نسبت به دهه‌های گذشته، فرصت‌های جدیدی را برای زنان در سطوح بالاتر شغلی ایجاد کرده است.

توسعه سیاست‌های حمایتی: با افزایش توجه به اهمیت اشتغال زنان، فرصت‌هایی برای توسعه سیاست‌های حمایتی و قوانین کار مناسب‌تر برای زنان شاغل ایجاد شده است، توسعه سیاست‌های حمایتی برای زنان شاغل باید در نظر گرفتن رویکرد فرهنگی و اجتماعی جامعه می‌گیرد. این سیاست‌ها نباید صرفاً به قوانین کار محدود شوند، بلکه باید به تغییرات فرهنگی و نگارشی در جامعه نیز توجه داشته باشند. برای مثال، تغییر نگرش جامعه نسبت به نقش زنان در خانواده و اجتماع می‌توان به پذیرش بهتر زنان شاغل کمک کرد. همچنین، سیاست‌های طراحی حمایتی باید به گونه‌ای باشد که نقش‌های خانوادگی و شغلی زنان را کاهش دهد. علاوه بر این، توسعه سیاست‌های حمایتی باید با آموزش و توانمندسازی زنان همراه باشد تا بتوانند از فرصت‌های شغلی بهتر بهره‌مند شوند. این می‌تواند شامل برنامه‌های آموزشی برای ارتقای مهارت‌های شغلی و مدیریتی زنان باشد. در نهایت، سیاست‌های حمایتی باید به گونه‌ای باشند که نه تنها از حقوق زنان شاغل حمایت کنند، بلکه به ارتقای جایگاه آن‌ها در محیط کار و جامعه نیز کمک کنند. این می‌تواند شامل سیاست‌هایی برای افزایش حضور زنان در پست‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری باشد (فرشته ندری آبیانه، ۱۳۸۴، ص ۴۵-۵۳).

برای بهره‌برداری از این فرصت‌ها و مقابله با چالش‌ها، نیاز به سیاست‌گذاری‌های دقیق و متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی جوامع مسلمان است. این سیاست‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که ضمن حفظ ارزش‌های اسلامی، امکان مشارکت فعال زنان در عرصه‌های اقتصادی را فراهم کنند؛ بنابراین گفته می‌شود که اشتغال زنان در خانواده‌های مسلمان نقش مهمی در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی این خانواده‌ها دارد. با این حال، این اشتغال با چالش‌های متعددی همراه است که نیاز به توجه و راهکارهای مناسب دارد. با توسعه صنعت حلال، کارآفرینی خانگی و برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی، می‌توان فرصت‌های شغلی بیشتری برای زنان مسلمان ایجاد کرد و به بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌های مسلمان کمک کرد.

۱.۵. یافته‌های پژوهش

۱.۵-۱. تأثیر مثبت بر درآمد خانواده

اشتغال زنان در خانواده‌های مسلمان به‌طور قابل توجهی بر درآمد کلی خانواده تأثیر می‌گذارد. بر اساس تحقیقات انجام‌شده، خانواده‌هایی که زنان آن‌ها شاغل هستند،

معمولاً درآمد بیشتری نسبت به خانواده‌های تک‌درآمدی دارند. این افزایش درآمد می‌تواند به چندین شکل بر زندگی خانواده تأثیر بگذارد:

بهبود شرایط زندگی: با افزایش درآمد، خانواده‌ها قادر به تأمین نیازهای اساسی خود مانند غذا، مسکن و بهداشت به‌طور بهتری هستند. این امر به‌ویژه در جوامع با سطح اقتصادی پایین‌تر اهمیت دارد، زیرا می‌تواند به کاهش فقر و بهبود کیفیت زندگی کمک کند.

دسترسی به آموزش: افزایش درآمد به خانواده‌ها این امکان را می‌دهد که فرزندان خود را در مدارس و مؤسسات آموزشی با کیفیت‌تری ثبت‌نام کنند. این امر می‌تواند به بهبود آینده شغلی و تحصیلی فرزندان منجر شود و به‌طور کلی سطح تحصیلات جامعه را افزایش دهد.

سرمایه‌گذاری در بهداشت: خانواده‌های با درآمد بالاتر می‌توانند به خدمات بهداشتی و درمانی بهتری دسترسی پیدا کنند. این موضوع می‌تواند به کاهش بیماری‌ها و بهبود سلامت عمومی خانواده کمک کند.

افزایش پس‌انداز: با درآمد بیشتر، خانواده‌ها می‌توانند برای آینده خود پس‌انداز کنند. این پس‌انداز می‌تواند در مواقع اضطراری یا برای سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای جدید مورد استفاده قرار گیرد.

۱.۵-۲. افزایش استقلال مالی و اجتماعی زنان

اشتغال زنان نه تنها به افزایش درآمد خانواده کمک می‌کند، بلکه به افزایش استقلال مالی و اجتماعی زنان نیز منجر می‌شود. این استقلال به چندین جنبه مهم مرتبط است: قدرت تصمیم‌گیری: زنان شاغل معمولاً در تصمیم‌گیری‌های مالی خانواده نقش بیشتری دارند. این امر به آن‌ها این امکان را می‌دهد که در مورد خریدهای بزرگ، سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مالی نظر دهند و در نتیجه احساس قدرت و کنترل بیشتری بر زندگی خود داشته باشند.

اعتمادبه‌نفس: داشتن شغل و درآمد مستقل می‌تواند به افزایش اعتمادبه‌نفس زنان کمک کند. این اعتمادبه‌نفس نه تنها بر زندگی شخصی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به بهبود روابط اجتماعی و خانوادگی آن‌ها نیز منجر شود.

مشارکت در جامعه: زنان شاغل معمولاً در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی نیز مشارکت بیشتری دارند. این مشارکت می‌تواند به تقویت صدای زنان در جامعه و تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و تصمیمات اجتماعی منجر شود.

کاهش وابستگی: بر اساس مقاله «اشتغال زنان و پیام‌های آن» نوشته یوسف، می‌توان گفت که در کاهش هزینه‌های زنان از طریق شبکه، پیام‌های مهمی دارد: خانه زنان باعث می‌شود که درآمد مستقلی داشته باشند و این امر وابستگی مالی آن‌ها به همسر یا خانواده را کاهش دهد. این استقلال مالی به‌ویژه در شرایط بحرانی مانند طلاق یا فوت همسر، پیدا می‌کند، زیرا زن می‌تواند به‌تنهایی از مخارج زندگی برآید.

همچنین، کاهش وابستگی مالی باعث افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس زنان می شود. زنانی که درآمد دارند، احساس می کنند بیشتر می شوند و این امر بر روابط خانوادگی و اجتماعی تأثیر می گذارد. مالی مستقل هستند، در تصمیم گیری های خانوادگی نقش پررنگتری ایفا می کنند و این امر می تواند به بهبود کیفیت زندگی مشترک منجر شود. و کاهش وابستگی مالی، ایجاد امنیت و آرامش بیشتر برای زنان و خانواده است، نه ایجاد شکاف و فاصله بین اعضای خانواده (یوسف خیری ۱۳۸۵، ص ۱۰ _ ۱۶)

۱. ۳-۵. چالش های تعادل کار _ زندگی

ایجاد تعادل بین مسئولیت های شغلی و خانوادگی یکی از چالش های اصلی است که زنان شاغل در خانواده های مسلمان با آن مواجه هستند. این چالش ها به چندین شکل خود را نشان می دهند:

کمبود زمان: زنان شاغل معمولاً با کمبود زمان برای انجام وظایف خانگی و مراقبت از فرزندان مواجه هستند. این کمبود زمان می تواند منجر به استرس و احساس نارضایتی از زندگی شود.

فشار روانی: تلاش برای انجام همزمان وظایف شغلی و خانوادگی می تواند منجر به فشار روانی و خستگی روحی شود. این فشار ممکن است بر سلامت روان زنان تأثیر منفی بگذارد و کیفیت زندگی آن ها را کاهش دهد. (یوسف خیری، ۱۳۸۵، ص ۹ _ ۱۵)

تعارض نقش ها: زنان ممکن است با انتظارات مختلفی از سوی خانواده و جامعه مواجه شوند. این تعارض می تواند منجر به احساس گناه و نارضایتی از نقش های مختلفی که ایفا می کنند، شود.

چالش های مربوط به مراقبت از کودکان: یکی از بزرگترین چالش ها برای زنان شاغل، یافتن راحل های مناسب برای مراقبت از کودکان در ساعات کاری است. این موضوع می تواند به ویژه در جوامع با زیرساخت های ضعیف تر، مشکل ساز باشد. انتظارات اجتماعی: در بسیاری از جوامع مسلمان، انتظارات اجتماعی از زنان برای اولویت دادن به خانواده و وظایف خانگی می تواند با الزامات شغلی در تعارض باشد. این موضوع می تواند فشار بیشتری بر زنان وارد کند و بر تصمیمات شغلی آن ها تأثیر بگذارد.

۱. ۴-۵. تأثیر بر تربیت فرزندان

اشتغال مادران می تواند تأثیرات مثبت و منفی بر تربیت فرزندان داشته باشد. از یک سو، فرزندان ممکن است از الگوهای موفق مادران شاغل الهام بگیرند و یاد بگیرند که زنان نیز می توانند در عرصه های مختلف موفق باشند. از سوی دیگر، کمبود زمان مادران شاغل برای گذراندن وقت با فرزندان می تواند چالش هایی را ایجاد کند.

الگوهای مثبت: فرزندان مادران شاغل معمولاً با الگوهای موفق مواجه می‌شوند که می‌تواند به افزایش انگیزه و تلاش آن‌ها در زندگی آینده‌شان منجر شود. این موضوع می‌تواند به شکل‌گیری ارزش‌های مثبت مانند کار سخت و استقلال در فرزندان کمک کند.

کاهش زمان با فرزندان: در عین حال، اشتغال مادران ممکن است منجر به کاهش زمان صرف شده با فرزندان شود. این موضوع می‌تواند بر روابط عاطفی و تربیت فرزندان تأثیر بگذارد و احساس تنهایی یا عدم توجه را در آن‌ها ایجاد کند.

توسعه مهارت‌های اجتماعی: فرزندان مادران شاغل معمولاً در محیط‌های اجتماعی بیشتری قرار می‌گیرند و این می‌تواند به توسعه مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی آن‌ها کمک کند. فرزندان مادران شاغل معمولاً در محیط‌های اجتماعی بیشتر می‌گیرند و این می‌تواند به توسعه مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی آن‌ها کمک کند. این فرزندان با افراد مختلف، از جمله همسالان و بزرگترها، بیشتر در ارتباط هستند که باعث تقویت مهارت‌های اجتماعی آن‌ها می‌شوند. همچنین، قرار گرفتن در موقعیت‌های اجتماعی متنوع به آن‌ها کمک می‌کند تا با ایجاد ارتباطی خود را بهبود ببخشند و یاد بگیرند که با دیگران کار کنند. علاوه بر این، فرزندان مادران شاغل ممکن است در برخی موارد مستقل‌تر عمل کنند که این امر به افزایش اعتماد به نفس آن‌ها کمک می‌کند. آشنایی با فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های مختلف برای توسعه و پذیرش انواع کمک می‌کند. در نهایت، چالش‌های اجتماعی در محیط‌های مختلف، مهارت‌های حل مسائل آن‌ها را تقویت می‌کند. به‌طور کلی، نیروهای مادران می‌توانند به شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی در فرزندان کمک کنند و آن‌ها را برای کمک‌های آینده آماده‌سازی کنند (عاطفی قربانعلی، ۱۳۸۶)

۱. ۵.۵. تغییر در نگرش‌های اجتماعی

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نگرش‌های اجتماعی نسبت به اشتغال زنان در حال تغییر است. این تغییرات به‌ویژه در جوامع مسلمان که سنت‌های قوی دارند، قابل توجه است.

آگاهی اجتماعی: افزایش آگاهی‌های اجتماعی و تحصیلات در بین زنان و مردان می‌تواند به تغییر نگرش‌ها نسبت به اشتغال زنان منجر شود. این تغییر نگرش می‌تواند به کاهش تبعیض‌های جنسیتی و افزایش فرصت‌های شغلی برای زنان کمک کند.

حمایت از اشتغال زنان: تغییر نگرش‌ها، حمایت‌های اجتماعی و دولتی از اشتغال زنان نیز افزایش یافته است. این حمایت‌ها می‌تواند شامل سیاست‌های کاری انعطاف‌پذیر، برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای و ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای مراقبت از کودکان باشد.

۱. ۶-۵. رشد صنعت حلال

صنعت حلال به عنوان یکی از بخش‌های روبهرشد اقتصادی در جوامع مسلمان، فرصت‌های شغلی جدیدی را برای زنان ایجاد کرده است. فرصت‌های شغلی: این صنعت به زنان این امکان را می‌دهد که در مشاغل مرتبط با تولید و توزیع محصولات حلال، خدمات غذایی و گردشگری حلال فعالیت کنند. این مشاغل معمولاً با ارزش‌های اسلامی سازگار هستند و به زنان این امکان را می‌دهند که در محیط‌های کاری مناسب‌تری فعالیت کنند. توسعه کارآفرینی: صنعت حلال همچنین فرصت‌های کارآفرینی را برای زنان فراهم می‌کند. زنان می‌توانند کسب‌وکارهای کوچک و متوسطی را در زمینه تولید و فروش محصولات حلال راه‌اندازی کنند و به این ترتیب به استقلال مالی و اجتماعی دست یابند.

۱. ۷-۵. افزایش سطح تحصیلات

افزایش سطح تحصیلات زنان در جوامع مسلمان به‌طور مستقیم بر اشتغال آن‌ها تأثیر می‌گذارد. دسترسی به مشاغل بهتر: زنان با تحصیلات بالاتر معمولاً به مشاغل با درآمد بالاتر و شرایط کاری بهتری دسترسی دارند. این موضوع می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها کمک کند. توسعه مهارت‌ها: تحصیلات بالاتر به زنان این امکان را می‌دهد که مهارت‌های لازم برای ورود به بازار کار را کسب کنند و در نتیجه شانس بیشتری برای موفقیت در مشاغل خود داشته باشند.

۱. ۸-۵. چالش‌های فرهنگی و دینی

با وجود پیشرفت‌های صورت‌گرفته، برخی تفسیرهای سنتی از دین و فرهنگ ممکن است محدودیت‌هایی را برای اشتغال زنان ایجاد کند. محدودیت‌های شغلی: برخی از مشاغل ممکن است به دلیل تفسیرهای سنتی از دین برای زنان مناسب تلقی نشوند. این موضوع می‌تواند مانع از ورود زنان به بازار کار در برخی حوزه‌ها شود. انتظارات اجتماعی: در برخی جوامع، انتظارات اجتماعی از زنان برای ایفای نقش‌های سنتی می‌تواند فشارهایی را بر آن‌ها وارد کند و مانع از اشتغال آن‌ها شود.

۱. ۹-۵. نیاز به سیاست‌های حمایتی

برای تسهیل اشتغال زنان در جوامع مسلمان، نیاز به توسعه سیاست‌های حمایتی و قانونی وجود دارد.

مرخصی زایمان و حمایت از مادران شاغل: ایجاد سیاست‌های حمایتی مانند مرخصی زایمان و حمایت از مادران شاغل می‌تواند به افزایش مشارکت زنان در بازار کار کمک کند.

زیرساخت‌های مناسب: ایجاد زیرساخت‌های مناسب مانند مهدکودک‌ها و خدمات مراقبت از کودکان می‌تواند به زنان کمک کند تا بتوانند به راحتی بین کار و خانواده تعادل برقرار کنند (عاطفی قربانعلی، ۱۳۸۶)

۱.۵-۱۰. تأثیر بر ساختار خانواده

اشتغال زنان می‌تواند تأثیرات عمیقی بر ساختار خانواده داشته باشد. تغییر در نقش‌ها: اشتغال زنان می‌تواند منجر به تغییر در نقش‌های سنتی خانواده شود. این تغییرات ممکن است شامل تقسیم مجدد مسئولیت‌ها و نقش‌ها در خانه باشد. تقویت همکاری: با افزایش اشتغال زنان، همکاری و همبستگی بیشتری بین اعضای خانواده ایجاد می‌شود. این امر می‌تواند به بهبود روابط خانوادگی و افزایش کیفیت زندگی خانوادگی منجر شود.

در مجموع، این یافته‌ها نشان می‌دهند که اشتغال زنان در خانواده‌های مسلمان، علی‌رغم چالش‌های موجود، پتانسیل قابل توجهی برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها و جوامع اسلامی دارد. با اتخاذ رویکردی متعادل و هوشمندانه، می‌توان از این پتانسیل در جهت رشد و توسعه پایدار بهره برد، به گونه‌ای که هم ارزش‌های اسلامی حفظ شود و هم نیازهای اقتصادی جوامع مدرن برآورده گردد.

نتیجه‌گیری

بررسی جامع اشتغال زنان در خانواده‌های مسلمان نشان می‌دهد که این موضوع دارای ابعاد پیچیده و چندوجهی است. اشتغال زنان در جوامع اسلامی، علی‌رغم چالش‌های موجود، پتانسیل قابل توجهی برای بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و جوامع دارد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که اشتغال زنان می‌تواند منجر به افزایش درآمد خانواده، بهبود کیفیت زندگی و افزایش استقلال مالی و اجتماعی زنان شود. با این حال، چالش‌های متعددی نیز در این مسیر وجود دارد. تعارض بین نقش‌های سنتی و مدرن، دشواری‌های ایجاد تعادل بین کار و زندگی خانوادگی و برخی محدودیت‌های فرهنگی و دینی از جمله این چالش‌ها هستند. همچنین، کمبود سیاست‌های حمایتی کافی در برخی جوامع مسلمان می‌تواند مانعی برای اشتغال زنان باشد. از سوی دیگر، تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جوامع مسلمان، افزایش سطح تحصیلات زنان و رشد صناعی مانند صنعت حلال، فرصت‌های جدیدی را برای اشتغال زنان فراهم کرده است. این تحولات می‌تواند زمینه‌ساز تغییرات مثبت در نگرش‌های اجتماعی نسبت به اشتغال زنان باشد. برای بهره‌برداری مؤثر از این پتانسیل‌ها و غلبه بر چالش‌های موجود، نیاز به رویکردی جامع و چندبعدی است. این

رویکرد باید شامل توسعه سیاست‌های حمایتی، آموزش و توانمندسازی زنان، ترویج کارآفرینی، تغییر نگرش‌های اجتماعی و تفسیر مجدد ارزش‌های دینی در چارچوب شرایط معاصر باشد. همچنین، ایجاد تعادل بین حفظ ارزش‌های اسلامی و پاسخگویی به نیازهای اقتصادی جوامع مدرن، یکی از چالش‌های اصلی است که نیازمند گفت‌وگو و همکاری بین علمای دینی، جامعه‌شناسان و اقتصاددانان است. در نهایت، می‌توان گفت که اشتغال زنان در خانواده‌های مسلمان، با وجود چالش‌های موجود، می‌تواند نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع اسلامی ایفا کند. با اتخاذ رویکردی متعادل و هوشمندانه، می‌توان از این پتانسیل در جهت رشد و توسعه پایدار بهره برد، به گونه‌ای که هم ارزش‌های اسلامی حفظ شود و هم نیازهای اقتصادی جوامع مدرن برآورده گردد. این امر مستلزم همکاری و تلاش مشترک دولت‌ها، نهادهای مذهبی، سازمان‌های مردم‌نهاد و خود زنان است. با ایجاد فضای مناسب برای اشتغال زنان و حمایت از آن‌ها، می‌توان گام‌های مؤثری در جهت توانمندسازی زنان، بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و در نهایت، پیشرفت و توسعه جوامع اسلامی برداشت.

منابع

۱. ایرجی زاده، اعظم، (۱۳۷۷)، بررسی مشارکت کیفی زنان در آموزش عالی و ارائه راهکارهایی جهت افزایش آن، *مجموعه مقالات کنگره زن*، دانشگاه، فردای بهتر، دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی تهران دانشگاه علامه طباطبائی.
۲. احمد گوگردچیان، طیبی، سیدکمیل، قضاوی عفت، (۱۳۹۳)، «اثر اشتغال زنان بر شکاف درآمدی جنسیتی در ایران ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰»، *تحقیقات مدل سازی اقتصادی*، شماره ۱۷.
۳. خیری، یوسف، (۱۳۸۵)، «اشتغال زنان و پیامدهای آن»، *بانوان شیعه*، شماره ۹.
۴. عاطفی، قربانعلی، زارعی، پرویز، (بی تا)، *اشتغال زنان از نگاه اسلام و غرب*، بی جا، بی نا.
۵. ندیری ایبانه، فرشته، «زن، اشتغال و فرهنگ»، *بانوان شیعه*، شماره ۳، ۱۳۸۱.
۶. مطیع حق شناس، نادر، (۱۳۹۹)، «بازشناسی رویکرد دینی در زمینه اشتغال زنان در ایران: چالش ها، فرصت ها و الزامات سیاستی»، *مجله علمی پژوهش های میان رشته ای زنان*، ش ۱.
۷. نوروش پور، فریبا، یزدانی، نرگس، عظیمی، عظیم، آذریور، (۱۳۹۶)، «الگوی اسلامی اشتغال زنان»، *دومین کنگره بین المللی نقش زن در سلامت خانواده و جامعه*، تهران، الزهرا.
۸. نساجی، زهرا، (۱۳۸۴)، «زنان اشتغال خانواده»، *درس هایی از مکتب اسلام*، شهرپور، دوره ۴۷، شماره ۶.
۹. پیروزمند، علی رضا، (۱۳۸۰)، بررسی تحلیلی الگوی فعالیت زنان در جهان معاصر *مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان*، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات.
۱۰. اعتمادی، منصوره، (۱۳۸۶)، «مناسبات اقتصادی و روابط شغلی حضرت خدیجه؟ ع؟ با پیامبر اکرم؟ ص؟»، *فصلنامه بانوان شیعه*، شماره ۱۳ و ۱۴، ص ۱۷۳-۲۰۰.
۱۱. سبحانی، محمدتقی، (۱۳۸۵)، *الگوی جامع شخصیت زن مسلمان*، جلد ۱، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۲. علیزاده، مرجان، (۱۳۸۹)، «نقش اشتغال زنان در توسعه»، *فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ*، ۱۳۸۹.
۱۳. عبدالخانی، ساجده، زارعی، پرویز، (۱۳۸۶)، «فرصت ها و چالش های اشتغال زنان در سبک زندگی اسلامی»، *همایش زن در نظام حقوقی اسلام*.